جنبش ها و فرقه های دینی
در عصر پهلوی



محمود قوچانی

بسم الله الرحمن الرحیم

جنبش‌ها و فرقه های دینی در عصر پهلوی

نویسنده:

محمود قوچانی

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جنبش‌ها و فرقه های دینی در عصر پهلوی

مشخصات کتاب

مؤلف: محمود قوچانی

مقدمه

با روی کار آمدن سلسله پهلوی، شرایط جدید بر فضای فکری، سیاسی و اعتقادی جامعه ایرانی حاکم شد. رضا خان با هر نیت و قصدی، در صدد ایجاد تحول در ساختار اجتماعی ایران بود و به همین سبب، نوخواهی و نوگرای را در همه شؤون، شعار خود قرار داده بود. از نظر وی، سنت و مذهب، مهم ترین مانع برای پیشبرد اهداف او به شمار می رفت. از این رو، وی با اندیشیدن تمهیداتی، در صدد ایجاد محدودیت‌هایی برای بخش روحانیت بر آمد. همزمان با این اقدام، توجه بیش از حد به علوم و فنون و مظاهر غربی در جامعه ایرانی، زمینه را برای ورود افکار غیر دینی و ضد مذهبی فراهم آورد. بسیاری از تحصیل کردگان غربی در آن برهه، در شمار گروه‌های مرجع در آمدند و کم کم نسل جدید، روابط محکم تری را با این گروه‌ها برقرار کرد. از طرف دیگر، روحانیت با احساس خطر در این زمینه، به تکاپوی جدیدی دست زد تا شرایط موجود را در مقابل حوادث و وقایع احتمالی حفظ کند. [۱] . به طور کلی جامعه روحانیت و اقشار مذهبی ایران در دوره جدید با سه جریان عمده فکری مواجه بود که به نوعی آنان را به رویارویی و چالش فرا می‌خواند. جریان اول همان فارغ التحصیلان غرب بودند که مدتی را در دیار فرنگ به کسب علم و دانش گذرانده و پس از مراجعت به وطن، در رأس امور علمی، فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته بودند. آن‌ها در شرایط جدید به واسطه اتکا به حمایت همه جانبه دولت و نظام شاهنشاهی، در انتظار فرصتی برای جانشینی و جایگزینی روحانیت و علمای حوزه‌های دینی تحت عنوان گروه‌های مرجع جدید بودند. به ویژه این که با افتتاح دانشگاه‌های متعدد، در شهرهای مختلف کشور و ورود دانشجویان به این مراکز علمی، رابطه نسبتاً خوبی بین نسل جوان و این گروه‌های مرجع جدید برقرار می‌شد. حاصل این توافق و تفاهم، ظهر و پدیده روشن فکری بود که ریشه در دوره قاجاریه داشت، اما در دوره پهلوی به شدت مورد تأکید و تشویق قرار می گرفت. علاوه بر مراکز علمی و فرهنگی، بسیاری از مناصب اجرایی و اداری نیز در تصدی این نسل جدید بود. بنابراین زمینه لازم برای بیرون راندن و به حاشیه کشاندن جریان مذهبی و نمایندگان آن یعنی «روحانیت» فراهم بود. حتی در قوه مقننه و قضاییه نیز به جهت قانون گذاری و نظارت بر آن، و با توجه به جو حاکم مذهبی بر جامعه ایران و از حیث ماهیتی، روحانیان و مجتهدان جامع الشرایط تأثیرگذار بوده و مسؤولیت‌هایی را در این عرصه احراز کرده بودند. تعداد عالمان در شرایط موجود رو به کاشه نهاد و فارغ‌التحصیلان علوم و فنون جدید جانشین آن‌ها شدند. شاید تصور می‌شد مهم ترین چالش قشر روحانیت، آشتی ناپذیری سنت و تجدد بود. روشن فکران به طور اساسی عامل انحطاط و عقب ماندگی ایران را سنت زدگی و دخالت بیش از حد امر مذهب در شؤون اجتماعی جامعه، می‌دانستند. بنابراین هیچ گونه تعامل مشترکی را با روحانیت برای پیشبرد امور نمی پذیرفتند. از دیگر سو در بین برخی لایه‌های مذهبی نیز ورود فرهنگ و تمدن غربی، برابر با نادیده انگاشتن دین تلقی می‌شد و به هیچ رو، پیوندی بین آن دو برقرار نبود. جریان دیگری که متدینان از گسترش آن احساس خطر می کردند، نفوذ ایده‌های کمونیستی در ایران بود. با توجه به گذشته تاریخی و سلطه نظام استبدادی، اشاعه شعارهای عدالت‌خواهی و تکیه بر آزادی برای عموم مردم پرجاذبه بود. به همین خاطر، همزمان با نشر این افکار، بسیار از جوانان جزو باورمندان این اعتقاد شدند. البته میزان گرایش جوانان و قشر تحصیل کرده به این اعتقاد به تناسب دارای شدت و ضعف بود. بعضی تنها دلبسته شعار برابری و عدالت تفکر سوسیالیستی بودند و به همین خاطر برای اشاعه آن تلاش می کردند. برخی دیگر نیز جزو معتقدان به فلسفه کمونیسم و مارکسیسم شدند و در مسیر ضدیت با دین گام

برداشـتند. نقطه مقابل جامعه دینی آن زمان، «حزب توده» قرار داشت که با بهره گیری از ایده‌های کمونیستی و شعار حاکمیت مردم توانسته بـود، گروه زیـادی را نسبت به این اعتقـاد متمایـل سـازد. نفوذ حزب توده به خصوص در بین بخشـی از طبقه روشن فکر و همچنین عناصر نظامی ارتش ایران، دغدغه‌هایی را در پی داشت. مخالفان اصلی این طرز فکر از یک سو نهاد سلطنت بود که مظاهر قـدرت و اقتـدار آن مبتنی بر سـلطه یک فرد بر جامعه و احراز قـدرت مطلقه بود. از سوی دیگر روحانیان و بخش مذهبی جامعه نیز، اشـاعه فرهنـگ کمونیستی را برای حیـات دینی، خطر آفرین تشـخیص داده بودنـد. جریـان فکری سومی که در سایه مساعـدت‌های رژیم گذشـته بالنده شد و بر بسـیاری از ارکان سیاسـی و اقتصادی کشور سایه افکند، بهاییت بود. معتقدان به این مسـلک به ویژه از دهه ۲۰ به بعـد، با گسترش فعالیت، دارای مناصب مهمی در دولت شدنـد و بر همین اساس، بیش از نیمی از وزرای کابینه هویـدا را بهاییان تشکیل می‌دادند. به موازات توفیق آنان در تصدی امور اجرایی و اداری، تبلیغات فرهنگی و اعتقادی آنان نیز افزایش یافت و بسـیاری از آن‌هـا به نقـاط محروم کشور مبلغ می‌فرسـتادند. همچنین فعالیت گسترده‌ای را برای ترغیب دانش‌آموزان و دانش‌پژوهان برای گرویدن به این نحله سیاسـی و فکری آغاز کردند. قدم اول آنان برای ترغیب دیگران به بهاییت، ایجاد شبهه و زیر سؤال بردن بسـیاری از احکام و اعتقادات اسـلامی بود. این مسأله نگرانی‌های فراوانی را در جامعه دینی به بار آورد و بسیاری از علمای شیعی با نوشـتن جواب‌ها و بیانیه‌ها و کتاب‌ها، در صدد برآ مدند تا ضـمن تبلیغ شایسـته دین اسـلام، دلایل ابطال فرقه بهاییت و سـست بودن اعتقـاد آن را به اثبـات رساننـد و در این راه نیز گام‌های بزرگی برداشـته شـد. جنبش‌های دینی و مـذهبی دوره پهلوی دوم در چنین فضایی متولـد شـد و رشـد و نمو کرد. بنابراین بحث انجمن حجتیه مهدویه را می‌بایست با همین رویکرد، مورد توجه و بررسـی قرار داد. [۲] .

پیشینه بهاییت

پس از فعالیت‌های مرحوم علامه مجلسـی و مبارزه‌های سیاسـی علمای دیگر در دهه‌های اخیر، اسـتعمار بارها برای تسخیر و تسلط بر ایران اقدام کرد و با قیام روحانیت شـکست سختی خورد، «از جمله فتوای دفاع در برابر حمله روس‌ها توسط مرحوم کاشف الغطاء و ملا احمـد نراقی در جنگ جهانی اول، و همچنین فرمان جهاد در برابر حمله متجاوزان از سوی سـید محمـد مجاهـد اصـفهانی و ملا محمـد استرآبـادی، و همچنین فتوای تحریم تنبـاکو علیه انگلیس توسـط میرزای شـیرازی و دیگر مقابله‌هـای روحانیت....» اسـتعمار، میزان قـدرت و نفوذ مردمی روحانیت را کشف کرد و یکی از منفذهای ورود خود به جامعه مسـلمانان را نفوذ در این دژ مسـتحکم یافت؛ لـذا با به راه انـداختن جریان‌های به اصطلاح مذهبی یا تقویت و توسعه آنها نظیر بهاییت، قصد ایجاد شـکاف و نفاق در بین روحانیت و امت مسـلمان داشت و با فرقه فرقه کردن شـیعیان و بی‌ارزش نمودن عقیده مهدویت و رخنه در صفوف روحانیت و... به دنبال اخلال بود. [۳] . تاریخ پیدایش بهاییت به ۱۲۵ سال پیش باز می‌گردد که ابتـدا با علم کردن سـید علی محمد باب و ادعای با بیت امام عصـر آغـاز و سـپس بـا دعـای مهـدویت ادامـه یـافت و از نـاحیه اسـتعمار روسـیه تزاری و انگلیس حمـایت و در سـایه حکومت‌هـای جور پادشاهی آزادانه به برقراری مراکز و محافل تبلیغایت و فعالیت علنی با پرچم مخصوص خود می‌پرداخت. بهاییت در واقع شـاخه‌ای از اسـتعمار فرهنگی ـ فکری بود که به قصـد ایجـاد انحراف و جلوگیری از احیـای فکر دینی در جوامع اسـلامی به وجود آمد. [۴] و پس از تغییر حکومت تزار یکسـره به خـدمت انگلیس در آمد و با کسب مقام جهان خواری آمریکا نیز در آغوش این اسـتعمار نو به خوش خدمتی و نوکری پرداخت و راه صـهیونیسم را در کشورهای اسلامی پیمود و آن را تبلیغ کرد. در کودتای ۲۸ مرداد که پایه‌هـای رژیم متزلزل بود و می‌کوشـید تا مسایل فرعی و جنبی را در جامعه مطرح کنـد و مردم را سـرگرم نمایـد تا از تثبیت رژیم دیکتـاتوری و غـاصب غال شونـد و آن‌ها در سایه غفلت، سـرگرمی و اختلاف در بین مردم امور خود را پیش برنـد لـذا ناچار بودنـد تا به وسـیله یک جریان انحرافی مثل بهاییت را مطرح کرده و رشـد دهنـد. هر چنـد این فرقه ضاله اجنبی به مزبله تاریخ

سرازیر شد، ولی پیدایش آن بی‌حاصل نبود و در راه خود موفق شد که عده‌ای را به مسایل فرعی و جنبی منحرف کرده و مشغول سازد. این عده گروهی به نام انجمن ضد بهاییت بودند و بزرگ ترین خدمت انجمن این بود که رژیم را به مقصود خودش، یعنی «ثبات حکومت» برساند. [۵] .

زمینه‌های شکل گیری انجمن

پس از دهه ۲۰، همزمان با رونق گرفتن فعالیت فرقه بهاییت و نفوذ روزافزون معتقدان آن در عرصه حاکمیت، بسیاری از روحانیان و اقشار مذهبی در صدد مبارزه و مقابله برآمدند. استفاده از وعظ و منبر و ایراد خطابه از سوی روحانیان، شیوه معمول آنان برای ایجاد ارتباط با مردم بود و از آنی طریق آنها می‌توانستند، ترفندهای عناصر بهایی را خنثی سازند. نقش عمده برگزاری چنین جلساتی به عهده هیأت‌های مذهبی بود. این هیأت‌ها در مشهد بسیار فعلاً بودند. از آنجا که ضرورت نظم و سامان چنین حرکتی محسوس بود، برای نشر فرهنگ اسلامی و مبارزه با مظاهر غیردینی و مقابله با افکار انحرافی، برخی از مراکز علمی و فرهنگی شکل گرفت. از مهم ترین جمعیت‌ها و انجمن‌هایی که در مشهد پا به عرصه ظهور گذاشت، هیأت‌های مؤتلفه اسلامی بود. این تشکل، مرکب از ۶ جمعیت و انجمن به نام‌های کانون نشر حقایق اسلامی، انجمن پیرامون قرآن، انجمن تبلیغات اسلامی، جمعیت طلاب علوم دینی، جمعیت مبارزین اسلام و هیأت‌های ابوالفضلی بود. [۶] . رهبر هیأت‌های مؤتلفه اسلامی، شیخ علی‌اکبر نوقانی بود که در مسجد گوهرشاد منبر می‌رفت و در مورد فعالیت بهاییت به مؤمنان هشدار می‌داد. محمدتقی شریعتی، از بنیان‌گذاران کانون نشر حقایق بود که فعالیت‌های بسیاری را در زمینه علوم و معارف اسلامی و تفسیر قرآن داشت. انجمن پیروان قرآن نیز به وسیله شیخ علی‌اصغر عابدزاده تأسیس شده بود. وی مؤسس مهدیه مشهد نیز بود و برخی بر این باورند که تأسیس مهدیه در تهران و دیگر شهرستان‌های کشور نیز، ملهم از اقدام مرحوم عابدزاده بود. [۷] . انجمن تبلیغات اسلامی در فروردین ماه ۱۳۲۱ به وسیله عطاءالله شهاب‌پور، مدیر و صاحب امتیاز مجله «نور دانش»، حشمت‌الله دولتشاهی و علی اشرف در تهران تشکیل شد و با گسترش فعالیت خود، در مشهد نیز دارای شعبه شد. [۸] . نماینده جمعیت طلاب علوم دینی، آقای مصباحی بود و شاخه‌ای از فداییان اسلام در مشهد نیز جمعیت مبارزین اسلام را تشکیل می‌دادند. هیأت ابوالفضلی سراب که نماینده هیأت‌های مذهبی در مشهد بود تحت نظر آقای نجاریان فعالیت می‌کرد. شیخ محمود حلبی نیز در هیأت‌های مؤتلفه اسلامی عضویت داشت. وی در آغاز روحانی هیأت مسلم بن عقیل بود و هر سال در روزهای قبل و بعد از نیمه شعبان، در خیابان گوهرشاد ـ صاحب‌الزمان فعلی ـ که محل سکونت عده‌ای از بهاییان بود، مراسم با شکوهی را برگزار می کرد. بسیاری از هیأت‌های مذهبی در آن زمان، تحت نظر آقای میرزا احمد کفایی قرار داشت که با دربار پهلوی رابطه خوبی برقرار کرده بود. این مسأله باعث شد که در ذهن بسیاری از فعالان سیاسی، مذهبی، نظیر شیخ محمود حلبی، محمدتقی شریعتی و شیخ علی‌اصغر عابدزاده و.... این رابطه، نامطلوب جلوه کند، به خصوص این که بسیاری از این جلسه‌های مذهبی، فاقد روحیه سیاسی بودند و بیش‌تر به امور دینی صرف می پرداختند. اما در نتیجه مساعدت‌های نامبردگان، نیمی از این هیأت‌ها در مسیر فعالیت سیاسی قرار گرفتند. [۹] . پس از شهریور ۱۳۲۰، کار عمده آقای حلبی در مشهد مبارزه با بهاییت و پرداختن به امور تبلیغی در قالب منبر بود و در این زمینه مهارت و شهرت خاصی پیدا کرد. حلبی در برخورد با بهاییان، متأثر از مرحوم آیت‌الله شیخ احمد شاهرودی بود که ردیه‌ای بر مرام و مسلک با بیان نوشته بود. هیأت‌های مؤتلفه اسلامی به موازات گسترش نفوذ بهاییان، بر آن شدند دو نفر را مأمور تحقیق و پژوهش پیرامون بهاییان کنند تا از این طریق ضمن آگاهی بر نحوه عملکرد این فرقه، تمهیدات لازم را برای تربیت کادری زبده از جوانان، برای مقابله فکری با بهاییان فراهم آوردند. به همین خاطر، شیخ محمود حلبی و سید عباس علوی، مأمور این کار شدند. اما سید عباس علوی پس از مدتی همنشینی با اعضا فرقه مذکور، به تدریج دین و ایمان خود را از دست داده و در شمار معتقدان و مدتی بعد در زمره مبلغان بهایی در آمد. این مسأله باعث شد که

مذهبیون، خطر گسترش فرقه مذکور را جدی تلقی کنند و به همین خاطر، شیخ محمود حلبی و سید عباس علوی، مأمور این کار شدند. اما سید عباس علوی پس از مدتی همنشینی با اعضای فرقه مذکور، به تدریج دین و ایمان خود را از دست داده و در شمار معتقدان و مدتی بعد در زمره مبلغان بهایی در آمد. این مسأله باعث شد که مذهبیون، خطر گسترش فرقه مذکور را جدی تلقی کنند و به همین خاطر به اقدامات عمیق تری در این خصوص دست زنند. [۱۰] . شیخ محمود حلبی از روحانیان سیاسی ای بود که در جریان جنبش ملی نفت، سخنرانی های بسیار آتشین در تهییج مردم و در حمایت از آیت‌الله کاشانی ایراد می کرد اما بعد از کودتای ۲۸ مرداد سیاست را رها کرد. [۱۱] در مورد او می‌گفتند که در همان دوره پرچمی در دست و لباسی آماده رزم بر تن داشت و بر ایوانی در مشهد ایستاده بود و مردم را به مبارزه علیه انگلیسی‌ها فرا می‌خواند و خود نیز حرکت می‌کرد تا دیگران در پی او بیایند. [۱۲] اما این همه شور و هیجان به واسطه بروز اختلاف بین رهبران نهضت ملی شدن صنعت نفت به یکباره فروکش کرد. برخی نیروهای مذهبی از ادامه فعالیت‌های سیاسی نا امید شدند و به تدریج زمینه مناسبی برای بروز ایده‌های غیرسیاسی و پرداختن به مسایل صرفاً مذهبی و دینی در بین بعضی از فعالان پدیدار شد. آنان به این اعتقاد رسیدند که می‌بایست، عرصه سیاست را به سیاستمداران بخشید و هر چه سریع تر خود را از این مرحله نجات داد و تنها بایستی به امور دینی پرداخت و دل را به آداب و رسوم و مناسک و مراسم مذهبی خشنود ساخت تا شرایط برای ظهور امام زمان (عج) فراهم شود. این تفکر به تدریج طرفدارانی برای خود پیدا کرد و بسیاری از عناصر فعال پیشین با پیروی از این بینش در ترویج تفکر جدایی دین از سیاست کوشیدند. نمونه بارز این عناصر ریمن نخعی بود. وی در خانواده‌ای بهایی به دنیا آمد و در ضد اطلاعات ارتش خدمت می کرد و سابقه فعالیت در حزب ایران و همکاری با افرادی نظیر شاپور بختیار، الله یار صالح، ابوالفضل قاسمی را داشت. او پس از حوادث ملی شدن صنعت نفت، از عرصه سیاست کناره گیری و به سمت روحانیان و نیروهای مذهبی گرایش پیدا کرد و با ایجاد «کانون تشیع» به شدت بر ایده جدایی دین از سیاست و پیروی از خط ولایت و امامت شیعه تأکید ورزید. [۱۳] . این نوع نگرش، در فعالیت‌های انجمن تبلیغات اسلامی نیز دیده می شد. اعضای این تشکل بر جنبه‌های غیرسیاسی عملکرد خود تأکید می ورزیدند. [۱۴] . در چنین فضایی، شیخ محمود حلبی نیز خود را از عرصه سیاست کنار کشید. وی با این که در فهرست کاندیداهای مجلس هفدهم شورای ملی قرار داشت [۱۵] و خانه او محل رفت و آمد نیروهای منتسب به جبهه ملی بود، بعد از بروز اختلاف در بین سران نهضت، در آخرین روز اسفند ۱۳۳۰، زادگاه خود را ترک و به تهران مهاجرت کرد و در خیابان لرزاده و میدان حسن‌آباد، محفلی را تحت عنوان انجمن ضد بهاییت تشکیل داد که بعدها در سال ۱۳۳۶ نام «انجمن حجتیه مهدویه» را به خود گرفت. [۱۶] .

انگیزه‌های تأسیس انجمن

هدف از تشکیل «انجمن خیریه حجتیه مهدویه» که مقارن با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و توسط آقای شیخ محمود ذاکرزاده تولایی (حلبی) تأسیس شد، مبارزه با بهاییت بود. آقای حلبی با مشاهده انحراف سیدعباس علوی، مسأله بهاییت را خطر بزرگی تشخیص می‌دهد و با برقراری تماس با افراد فریب خورده از بهاییت، راه یابی به جلسات تبلیغی آن‌ها، مناظره و مباحثه با آنان و مطالعه هایی که کرده بود به تدریج در بحث‌ها تبحر پیدا کرد. آقای محمدتقی شریعتی و آقای امیرپور نیز از همکاران ایشان بودند. [۱۷] . آقای حلبی پس از مهاجرت به تهران، شروع به جذب نیرو می کند و اطلاعات و تجربه‌های بحثی خود را منتقل می‌نماید. از آن جا که بهاییت مانند مساجد ما علنی و با پرچم فعالیت می‌کرد و خطر آن نزد علما منعکس شده بود، آقای حلبی و دوستانش پس از یک سری موفقیت‌ها، مورد حمایت علما قرار گرفتند و علما اجازه استفاده از سهم امام را نیز به آن ها دادند. [۱۸] . طاهر احمدزاده [۱۹] از نزدیک ترین دوستان شیخ محمود حلبی، اعتقادهای او را در مبارزه با بهاییت چنین بیان می کند: تمام صحبت شیخ حلبی این بود که تکلیف امروز ما منجر به این است که با بهایی‌ها مبارزه کنیم. او با سوگندهایی که مخصوص خودش بود،

مثلًا «والله العلی الاعظم الاعلی» بر این نکته تأکید می کرد که امروز امام زمان (عج) جز این خدمت را از کسی نمی پذیرد و چیزی جز این انتظار ندارد. روزی بعد از پایان صحبت ایشان من در کنار او نشستم و سکوت کردم. ایشان به من گفت: آقای احمد زاده من معنای سکوت شما را می فهمم و می‌دانم که شما با این حرف من مخالفید، ولی من به شما علاقه دارم و از باب خیرخواهی می گویم که به خدا قسم، امروز تکلیف شرعی و دینی ما آن است که با بهاییت مبارزه کنیم. می خواهم عرض بکنم که تشخیص من این بود که دیدگاه‌های مرحوم حلبی یک نوع اعتقاد بود و نه این که بازی سیاسی باشد. [۲۰] . نظر دسته‌ای دیگر که از اعضای انجمن هستند، این است که آقای حلبی در سال‌های ۳۲ خوابی دیده است که امام زمان (عج) به وی امر فرموده‌اند که گروهی را برای مبارزه با بهاییت تشکیل دهد. [۲۱] . نظر دیگر حاکی از آن است که با بروز اختلاف بین آیت‌الله کاشانی و مصدق و شکست نهضت ملی نفت، تبلیغات بهاییت رشد یافت و گروهی را که در بین آن‌ها طلبه‌ها نیز حضور داشتند از جمله هم حجره‌ای آقای حلبی ـ سید عباس علوی ـ را جذب کردند. لذا بهاییت در ذهن شیخ محمود حلبی بزرگ جلوه گر شد و به این نتیجه رسید که باید سیاست را رها کرد و دست به انجام اقدام‌های فرهنگی زد. به علت شکست نهضت، جو یأس آلودی بر جامعه حاکم شد و عده‌ای که به دنبال جریانی می گشتند تا با وصل شدن به آن، یأس و بریدگی خود را توجیه ایدئولوژیکی و سیاسی کنند، به این جریان پیوستند. [۲۲] . گروهی دیگر بر این نظر هستند که بخشی از سیاست‌های استعمار، فرقه سازی بوده و برای مطرح کردن، بالا کشیدن و رشد دادن آن فرقه، یک ضد فرقه را نیز تشکیل دادند. مسأله انجمن بهاییت و انجمن ضد بهاییت نیز مشمول این سیاست می‌باشد. البته نظر اول، سوم و چهارم قبال جمع هستند و اگر نظر چهارم را هم بپذیریم، نمی‌توان آن را به عنوان یک اصل ثابت تعمیم داد و در مورد همه گروه‌ها و نیروهای مخالف و مقابل هم آن را صادق دانست. اما در خصوص این دو فرقه شاید بتوان با توجه به قراین موجود آن را قرین به صحت دانست؛ زیرا هر دو با کنار گذاشتن سیاست و اتکا به دستگاه حرام ضد اسلامی و وجوهات مشترک دیگری به مقابله با یکدیگر پرداختند. آقای عمادالدین باقی می گوید: آنچه مسجل است و با جزم و قاطعیت می‌توان گفت، این است که پیدایش و حرکت انجمن حجتیه در جهت انحراف جامعه و مسلمانان از مسیر اصلی مبارزه و رو کردن به مسایل فرعی و حرکت بر ضد نهضت اصیل اسلامی بود و این سابقه عملکرد است که بالتبع زمینه نظرات کذایی را پدید می‌آورد. [۲۳] .

پاورقی

[۱] ۶۰ سال فراز و نشیب (روایتی تازه از انجمن حجتیه)، فتاح غلامی، ۲۳ / ۲ / ۱۳۸۲، سایت بازتاب.

[۲] همان.

[۳] کنیاز دالگورکی، جاسوس مرموز استعمار روسیه تزاری که تحت لوای مترجمی سفارت به ایران اعزام شده بود. وی به زبان فارسی و عربی تسلط داشت و با تحصیل علوم دینی خود را مسلمانی عابد معرفی کرد و عمامه و نعلین پوشید. طی معاشرت زیاد با روحانیان و ایرانیان، آن‌ها را هوشیار و سرسخت یافت. وی موفق شد نقاط ضعف دو سه طلبه دنیا پرست، جاه طلب و شهوتران را پیدا کند و از همین نقطه داخل شده و آن‌ها را تطمیع و تحریک به مذهب سازی و ادعای جدید (بابیت و مهدویت) نماید. با توجه به این که روحانیت بیدار کمر همت به شکست مسلک سازی‌ها می بندد و این جریان سازی‌ها دوام و گسترش نمی یابد، ولی به سبب جهل و فقر فرهنگی توده‌های مردم، توانست قشری از مردم را به دنبال تحریک شدگان استعمار کشیده و با ایجاد تفرقه و جنگ داخلی مسلمانان و روحانیت اسلام را تضعیف کند. همزمانی رویش مسلک قادیانی «غلام احمد قادیانی» در هند و دایه مهدویت و سپس نبوت و تشابه ماهوی آن با فقه بهاییت، نشانگر سیاست جزم فرقه سازی استعمار و تولید تفرقه در بین امت یکدل اسلامی و از پای در آوردن آن‌هاست.

[۴] خاطرات کینیاز دالگورکی و خطارات مستمر همفر جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی حاکی از درست کردن فرقه وهابیت

توسط انگلیس است، جهت مطالعه بیش تر ر.ک: قصه عجیب استعمار، محمدباقر حسینی، قم، دارالنشر، ۱۳۶۸ (این کتاب ترجمه خاطرات و گزارش‌های همسفر و کنیاز دالگورکی به زبان فارسی می‌باشد).

[۵] در شناخت حزب قاعدین زمان، ع. باقی، ص ۲۷ لی ۲۹.

[۶] http:/www.meisami.com/ch۲/anjoman۲۸-۳۴.htm گفت و گو با طاهر احمدزاده در خصوص انجمن حجتیه.

[۷] جریان‌ها وسازمان های مذهبی ـ سیاسی ایران، رسول جعفریان، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۰۶.

[۸] سیاست گریزی و ترویج جدایی دین از سیاست، حسن پناهی، روزنامه جمهوری اسلامی ۹ / ۸ / ۸۱.

[۹] سیاست گریزی و ترویج جدایی دین از سیاست، حسن پناهی، روزنامه جمهوری اسلامی ۹ / ۸ / ۸۱.]

[۱۰] جریان‌ها و سازمانهای مذهبی ـ سیاسی ایران، رسول جعفریان، ص ۱۰۷.

[۱۱] همان، ص ۳۷۲ و ۳۷۰.

[۱۲] در شناخت حزب قاعدین زمان، عمادالدین باقی، ص ۳۰.

[۱۳] بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، روح‌الله حسینیان، ص ۴۶۸.

[۱۴] آیت‌الله حلبی، چهره نیم قرن تفکر رازآلود مذهبی، عمادالدین باقی، روزنامه جامعه، شماره ۱۰۰، ۸ / ۴ / ۷۷. شیخ حلبی تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد هر روز در برنامه‌های رادیو سخنرانی داشت، این سخنرانی‌ها در کتابی با عنوان «بر کرانه معرفت» به همت سید محمد حسن لواسانی گردآوری شده و توسط بنیاد پژوهش‌های علمی فرهنگی نورالاصفیاء به چاپ رسیده است.

[۱۵] نسلی مأیوس از حرکت و انقلاب، مجموعه مقالاتی از نشریه راه مجاهد، انتشارات راه مجاهد، ص ۲۱-۲۰.

[۱۶] گفت و گو با طاهر احمدزاده در خصوص انجمن حجتیه.

[۱۷] سند شماره ۱.

[۱۸] گفت و گو با طاهر احمدزاده در خصوص انجمن حجتیه.

[۱۹] در شناخت حزب قاعده زمان، ص ۳۱-۲۹.

[۲۰] همان.

[۲۱] طاهر احمدزاده یکی از چهره‌های شاخص مبارزات ملت ایران است که در مراحل مختلف مبارزه فعال بود، از مقطع شهریور ۱۳۲۰ به بعد در کانون نشر حقایق اسلامی، تا فعال شدن در نهضت ملی شدن نفت و همچنین جبهه ملی دوم و مبارزات سال‌های ۳۰ تا ۴۲ و پس از آن در جنبش رادیکال سال‌های ۴۲ به بعد همواره در صف مقدم مبارزه بوده است.

[۲۲] گفت و گو با طاهر احمدزاده.

[۲۳] ماهیت ضد انقلابی انجمن حجتیه را بشناسیم، جلد اول، ص ۳۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹